

اماکن عبادی به مثابه فضای عمومی؟ تأملی بر نحوه مواجهه حکومت با اداره و نظارت بر اماکن عبادی

کیوان صداقتی^۱، محمد جلالی^{۲*}، ابراهیم موسی زاده^۳

چکیده

«حوزه عمومی»، به مثابه عرصه‌ای در میانه حوزه خصوصی و اقتدار برتر حکومت، از لوازم دستیابی به مردم‌سالاری است. «فضای عمومی مادی»، از عناصر عینی مرتبط با حوزه عمومی است که به عنوان واقعیتی بیرونی، بُعد مادی حوزه عمومی را پوشش می‌دهد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، اماکن عبادی -خاصه مسجد- کماکان از مصادیق بارز فضاهای عمومی فیزیکی‌اند که می‌توانند به مثابه حلقه واسط و میانجی و کاهنده شکاف میان مردم و حکومت، جلوه‌گاه وفاق و هم‌اندیشی شهروندان در باب مفاهیمی مانند «خیر عمومی» و «مصلحت جمعی» باشند و زمینه تحقق مردم‌سالاری دینی را فراهم سازند. این نوشتار نشان خواهد داد که رویکرد حداقلی و تنظیمی حکومت، در کنار خودگردانی و اداره مردمی اماکن عبادی، در نهایت، خودآیینی و خودفرمانروایی شهروندان را به ارمغان می‌آورد. چه اینکه، شهروندان از رهگذر فضای عمومی مردمی اماکن عبادی، مشارکت جمعی را در محدوده و مقیاسی کوچک‌تر تمرین می‌کنند تا آن را در حکومت مردم‌سالار خویش پیاده سازند.

کلیدواژگان

اماکن عبادی، حوزه عمومی، حکومت اسلامی، فضای عمومی، مردم‌سالاری، مسجد.

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: keyvan.sedaghati@gmail.com

۲. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mdjalali@gmail.com

۳. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: e.mousazadeh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

مقدمه

فضای عمومی در معنای عام کلمه، پهنه‌ای است در مالکیت عمومی یا خصوصی که برای همگان قابل دسترس است. بدون وجود عرصه مادی از فضای عمومی، سخن گفتن از حوزه عمومی پویا در جامعه، دور از ذهن است. مفاهیمی چون «حوزه عمومی» یا «فضای عمومی»، در زمره کالاهای وارداتی و لوکس غربی نیستند، بلکه نمونه‌های درخشانی از فضاهای عمومی را می‌توان در الگوی جوامع اسلامی مردم‌سالار یافت که از مصادیق بارز آن، «اماکن عبادی» است. تأکید آموزه‌های اسلامی بر مفاهیمی مانند «خیر عمومی»، «مصلحت عمومی» و عرصه‌ای جهت گفتمان و تعامل شهروندان، انکارناپذیر است و از این‌رو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا»^۱ به‌عنوان یکی از وظایف حکومت اسلامی اشاره، و از مسجد به‌مثابه «سنگر مبارزه با استبداد» و «ارتقای سطح آگاهی مردم» یاد شده است.^۲

پیش از پرداختن به مسئله اصلی این جستار، توجه به نکات زیر ضروری است: نخست - مراد نویسندگان از حوزه عمومی در مقاله حاضر، قلمرو اقتدار حکومت در برابر قلمرو حقوق خصوصی نیست. بلکه چنانچه حوزه خصوصی^۳ را قلمرو روابط شخصی افراد در نظر گیریم، منظور از حوزه عمومی، عرصه‌ای جدا از حکومت، جهت کنش جمعی و تصمیم‌گیری در خصوص خیر عمومی توسط شهروندان است. دوم - میان مفهوم «مکان عبادی» با «مکان دینی و مذهبی»، باید تمایز قائل شد. مکان عبادی (مانند مسجد، کلیسا و کنیسه)، همان‌گونه که از عنوان پیداست، مأمنی برای عبادت، نیایش، ستایش، پرستش و انس با خالق، و مکانی برای تأمین «حق بر عبادت» انسان‌هاست. حال آنکه، سایر اماکن دینی، لزوماً واجد خصایص مزبور نیستند. از این‌رو، نسبت میان اماکن دینی با اماکن عبادی، عموم و خصوص مطلق است. بدین معنا که اماکن دینی، دامنه وسیعی از مکان‌هایی را که با باورها و اعتقادات مردم پیوستگی دارند شامل می‌شود، لیکن اماکن عبادی، تنها بخشی از دایره بزرگ اماکن دینی و مذهبی را تکمیل می‌کنند.

وجه همت پژوهش حاضر، اثبات فرضیه این‌همانی اماکن عبادی (خاصه مسجد) با سنجه‌های فضای عمومی در جامعه اسلامی، احیا و تقویت کارکردهای اصیل اماکن عبادی

۱. بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی ایران.

۲. مقدمه قانون اساسی ایران.

۳. حوزه خصوصی، قلمرویی از کنش‌ها و روابط شخصی است که تصمیم‌گیری و اداره آن به شخص مربوط است و کسی را حق مداخله در آن نیست و حوزه عمومی، قلمرویی جدا از حکومت است که شهروندان در آن با یکدیگر به گفت‌وگوی عقلانی - انتقادی در خصوص «منفعت عمومی» می‌پردازند: برای مطالعه بیشتر ر.ک: نوبهار، ۱۳۸۷.

به منظور تحقق مفاهیم «شهروند فعال»، «حق بر مشارکت»، «تبادل و تضارب آرا» و «تعاون»؛ و در آخر، پیشنهاد الگوی مطلوب در زمینه چگونگی مداخله و نظارت حکومت اسلامی بر اماکن عبادی به مثابه فضای عمومی پایدار و موفق شهری است. شایان ذکر است اگرچه کتاب‌ها و مقاله‌هایی در خصوص حوزه و فضای عمومی و نقد و بررسی آن دو در ادبیات حقوقی ایران به رشته تحریر درآمده یا ترجمه شده است^۱، اما در زمینه امکان‌سنجی تلقی اماکن عبادی به مثابه فضای عمومی، به جرات می‌توان گفت، جستار حاضر نخستین پژوهش حقوقی مستقل و جامع است که درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی این مهم در بر پایه هفت بند بپردازد. از این رو ابتدا به نسبت منطقی میان حوزه عمومی و فضای عمومی پرداخته می‌شود و سپس در بندهای آتی، این‌همانی اماکن عبادی با سنج‌های فضای عمومی و اثرگذاری ماهیت حقوقی اماکن عبادی به مثابه فضای موفق شهری در مطلوبیت فضاهای عمومی مطالعه می‌شود.

نسبت میان حوزه عمومی و فضای عمومی

برای شناخت بهتر ماهیت «فضای عمومی»، ابتدا ضروری است آشنایی مختصری با مفهوم «حوزه عمومی» و نسبت آن با فضای عمومی داشته باشیم.

۱. حوزه عمومی، نقطه مقابل قدرت عمومی

در بستر تحولات قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و در سایه شکل‌گیری جامعه مدنی، تصور حوزه‌های عمومی که نه به موازات حکومت، بلکه اغلب در درون جامعه مدنی و مبتنی بر حضور و تعامل آزادانه افراد باشند، بر اذهان نقش بر بست. بدین ترتیب حوزه عمومی، نقطه مقابل قدرت عمومی حکومت (و نه بخشی از آن) قرار گرفت (هابرماس، ۱۳۸۵: ۴۳) و با تمرکز بر خیر عمومی، سعی داشت جامعه مدنی را به حکومت پیوند زند (کالون، ۱۳۸۹: ۳۳۰-۳۲۷). از نظر یورگن هابرماس^۲، حوزه عمومی به عنوان ساختاری از ارتباطات میانجی‌گرایانه میان حکومت و جامعه مدنی^۳، وساطت می‌کند. در حوزه عمومی، شهروندان می‌توانند آزادانه در زمینه اقداماتی که حکومت متعهد به انجام آنهاست، تبادل نظر و انتقاد کنند (Habermas, 2006: 1-25). هابرماس

۱. از جمله هابرماس، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۲؛ آرنه، ۱۳۸۸.

۲. متولد ۱۹۲۹ آلمان. فیلسوف و از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان حوزه عمومی.

۳. جامعه مدنی، حائلی است میان افراد و اقتدار سیاسی که نه به مانند مؤسسات عمومی به قدرت برتر سیاسی در جامعه تکیه می‌کند و نه به مانند افراد، نسبتاً فاقد پشتوانه در برابر قدرت است. بلکه نهادهایی خودگردان است که به دلیل نمایندگی از منافع مشترک اعضا، توان ایستادگی در برابر قدرت عریان سیاسی را دارند (راسخ، ۱۳۸۶: ۵).

و هانا آرنه^۱، حوزه عمومی را عرصه‌ای از حیات جمعی جدا از حکومت دانسته که مأوایی جهت گفت‌وگو، همسگالی، وفاق و کنش شهروندان را فراهم می‌سازد (ویلا، ۱۳۷۶: ۷۲). در چنین فضایی تلنگری به ساختار قدرت وارد شده تا اعمال خود را در سایه نظریات انتقادی شهروندان اصلاح کند. از این رو هابرماس نیز مانند خلف خود هگل، در پی عقلانی کردن اقتدار عمومی است (غفاری و بهرام، ۱۳۹۴: ۲۳). از سوی دیگر، کرگ کالون، که در تبیین نسبت میان جامعه مدنی و حوزه عمومی تلاش دارد، بر این باور است که جامعه مدنی، زندگی اجتماعی را در لایه میان حکومت و خانواده تنظیم می‌کند و حوزه عمومی را شکل تکامل یافته مفهوم جامعه مدنی می‌داند که خصیصه بارز آن، تأکید بر «خیر عمومی» به جای «خیرهای فردی و شخصی» است (کالون، ۱۳۸۹: ۳۰۳).

۲. فضای عمومی، عامل پویایی حوزه عمومی

بدیهی است بخشی از حوزه عمومی^۲، می‌تواند مجموعه‌ای از فضاهای عمومی و فیزیکی^۳ باشد که مردم در آنجا به نحو برابر با یکدیگر ملاقات و تعامل اجتماعی دارند و تجربیات خود را به هم منتقل می‌کنند. با توجه به اینکه با وجود پیشرفت حیرت‌آور تکنولوژی در دهه‌های اخیر، همچنان مراکز شهری، مملو از فضاهای عمومی مادی است، از این رو نحوه بهره‌برداری از فضاهای عمومی شهری، تأثیر مستقیمی بر پویایی حوزه عمومی خواهد داشت (Mitchell, 2003: 36). در تعریف فضای عمومی در فرهنگ شهرسازی آمده است: «قسمتهایی از یک دهکده، شهرک، شهر (با مالکیت عمومی یا خصوصی) که در دسترس عموم است و مردم بدون هزینه می‌توانند از آن استفاده کنند. مانند میادین و پارک‌ها» (کوان، ۱۳۸۹: ۵۱۸). البته مراد از فضای عمومی در اینجا، چیزی بیش از مکان عمومی است. برای اینکه مکانی - اعم از عمومی یا خصوصی - فضای عمومی تلقی شود، باید در آن تعامل اجتماعی صورت پذیرد. از این رو، نه تنها بعد «مادی» فضا، فی‌ذاته فاقد ارزش اجتماعی است، بلکه به نظر می‌رسد مالکیت عمومی یا خصوصی فضای عمومی نیز نباید تأثیری در شناسایی آن داشته باشد. چه بسیار از فضاهای شهری یا روستایی که در مالکیت بخش خصوصی‌اند، اما با خصایص فضاهای عمومی مطابقت کامل دارند که در این میان می‌توان به رستوران، کافی‌شاپ، قهوه‌خانه، سینما و مرکز خرید اشاره کرد.

۱. فیلسوف آلمانی (1906- 1975). Hannah Arendt.

۲. شایان ذکر است این مقاله در مقام بیان تفاوت‌های نظری و آکادمیک مفاهیمی نظیر فضا و مکان نیست. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: گل، ۱۳۸۹؛ هولاب، هابرماس، ۱۳۸۸؛ خاتم، ۱۳۸۴؛ رفیعیان، خدایی، ۱۳۸۸؛

رهنمایی، اشراقی، ۱۳۸۶؛ گودسل، ۱۳۸۶؛ نوبهار، آموزه‌های اسلامی، حوزه عمومی، حوزه خصوصی، ۱۳۸۸.

۳. در برابر فضای مجازی.

هانا آرت، بر این باور بود که سیاست واقعی جز با شکل‌گیری حوزه عمومی معنا ندارد و تمامی تصمیمات سیاسی باید برآمده از گفت و شنودهایی در حوزه عمومی باشد. از این رو چون کشور آن قدر بزرگ است که همگان نمی‌توانند گرد هم آیند و سرنوشت خود را رقم زنند، نیاز به فضاهای عمومی داریم (کالون، ۱۳۸۹: ۳۲۵). در چنین فضایی، فرد در کنار خود خصوصی خانوار خویش، خودی عمومی کسب می‌کند. از نظر آرت، با افول سپهر عمومی، خود عمومی انسانی نیز افول می‌کند.

به نظر می‌رسد نسبت میان حوزه عمومی و فضای عمومی مادی، عموم و خصوص مطلق در علم منطق است؛ بدین معنا که هر فضای عمومی، حوزه عمومی است، اما دایره حوزه عمومی تنها با فضای عمومی مادی و فیزیکی پر نمی‌شود، بلکه فضاهای دیگری همچون فضاهای مجازی نیز تشکیل‌دهنده حوزه عمومی‌اند.

تجلی مفهوم فضای عمومی در اماکن عبادی

ساختار فضا، از روابط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد (لینچ، ۱۳۹۲: ۱۵) و این فضاهای عمومی تا حد زیادی بیانگر فرهنگ و ارزش‌های فعلی جامعه‌اند. میزان و ویژگی فعالیت‌های انجام‌گرفته در فضاهای عمومی، تا حد زیادی به کارکردهای خاص آن فضا بستگی دارد. برای مثال، کارکرد اصلی فضای عمومی پارک‌ها برای تفریح یا ورزش کردن است، اما به صورت جانبی ممکن است به گفت و شنود در خصوص مسائل روز جامعه نیز پرداخته شود (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۲-۱۶۱). در عین حال برخی فضاهای عمومی مانند فرهنگسرا یا اماکن عبادی، با مباحث عمیق‌تری روبه‌رو هستند و با «خیر عمومی» قرابت بیشتری دارند. امروزه با وجود گسترش حیرت‌آور فناوری و بالطبع استفاده از نرم‌افزارهای (اپلیکیشن‌های)^۱ رایانه‌ای به منظور انجام تعاملات مجازی، کم‌وبیش فضای عمومی، ماهیت اصلی خود را حفظ کرده است، به گونه‌ای که کماکان می‌توان از اماکن عبادی- با توجه به کارویژه آنان در انجام مناسک دینی و مذهبی- به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق فضاهای عمومی در «عصر جدید»، نام برد.^۲

۱. فضای عمومی اماکن عبادی، عرصه شکل‌گیری افکار عمومی

مؤلفه‌های فضای عمومی با سنجه‌های اماکن عبادی قرابت‌های بسیار دارد. از جمله اینکه فضای عمومی، قلمروی از زندگی اجتماعی است که ورود به آن تقریباً برای همگان آزاد است و می‌تواند سبب شکل‌گیری و نضج «افکار عمومی» شود (هابرماس، ۱۳۸۵: ۴۲). اصطلاح افکار

1. Applications.

۲. البته در ایران، مسجد از اقبال بیشتر و بالطبع جلوه افزون‌تری برخوردار است.

عمومی، اغلب به نقد و کنترل قدرت سازمان یافته عمومی می‌انجامد که کاربست آن به‌نحو غیررسمی، از جانب عامه مردم است. از سوی دیگر، اماکن عبادی، توانایی گرد هم آوردن گروه کثیری از مردم از طبقات مختلف اجتماعی، حول چند محور خاص را دارند و می‌توانند محل تفکر، تأمل و گفت و شنود باشند.^۱ برای مثال در مسجد، اشخاص خصوصی، نه با عناوین شغلی و تحصیلی اکتسابی (مانند تاجر، پیشه‌ور، دکتر، مهندس و...) و نه به مانند اشخاص حقوقی که تحت بوروکراسی پیچیده اداری هستند، بل؛ به‌مثابه شهروندانی آزاد، با اراده خویش، گرد هم می‌آیند و به فراخور ظرفیت فکری موجود، در خصوص منافع عمومی، بی‌آنکه تحت فشار باشند، نظرهای خود را منعکس کرده و در صورت لزوم تصمیم‌گیری می‌کنند. شکل‌گیری اجتماعات انسانی در مسجد، به‌مثابه بخشی از جامعه مدنی، می‌تواند قدرت حکومت را تحدید کند و به گسترش مباحث سیاسی و عمومی و مبادلات فرهنگی و اجتماعی بینجامد. این امر خود سبب ارتقای سطح آگاهی شهروندان شده، بر تصمیمات جمعی ایشان (مانند انتخابات) اثر می‌گذارد و اجازه می‌دهد تا حقوقی مانند «حق بر آزادی اجتماعات» تقویت شوند.

۲. فضای عمومی اماکن عبادی، کاهنده شکاف میان حکومت و شهروند

در شرایط کنونی ایران و منطقه، اهمیت پر و بال دادن به اماکن عبادی، جهت بازشکوفایی استعدادهای اجتماعی شهروندان، دوچندان می‌شود، زیرا استفاده منظم و پیوسته ساکنان محلی از فضاهای عمومی مکان‌هایی مانند مسجد، موجب می‌شود تا در مراحل بعدی، افراد با سلیق مختلف گرد هم آیند و حتی به تشکیل گروه‌های اجتماعی بینجامد. مزیت تضمین استقلال اماکن عبادی، عدم وابستگی مطلق مالی به حکومت، تأمین هزینه‌ها از کمک‌های

۱. برای مثال، آیت‌الله سید محمود طالقانی، مصر به تشکیل مجلس بررسی نهایی ق.ا در مسجد بود. به‌حدی که وقتی در جلسه افتتاحیه مجلس خبرگان ق.ا (۲۸ مرداد ۱۳۵۸) با اندکی تأخیر وارد مجلس شد، در میان تعجب حضاران، به‌جای نشستن روی صندلی‌های مجلس، روی زمین نشست و چند نفر از نمایندگان نیز به نشانه احترام، با ترک صندلی‌هایشان روی زمین کنار وی نشستند. در فاصله تنفس جلسه اول و دوم، بسیاری از نمایندگان، علما و روحانیان عضو مجلس، دور تا دور آیت‌الله روی زمین نشستند و به بحث پرداختند. در این حین وقتی آیت‌الله بهشتی از ایشان خواستند تا در صورت امکان برای جلوگیری از سوء تعبیر، طبق آیین‌نامه بر جایگاه خود بنشینند، ایشان جواب دادند: «قبلاً به من گفتند که این کار خلاف آیین‌نامه است و من جواب دادم که جریمه آن را هر چه هست، می‌دهم. من دوست داشتم به‌جای این کاخ، در مسجد جلسات را برگزار می‌کردیم... وقتی می‌گوییم که مسجد جای همه‌گونه جلسات بحث و بررسی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی است، چرا خودمان رعایت نمی‌کنیم؟». روایتی از روزهای سکوت و نگرانی آیت‌الله طالقانی در مجلس خبرگان/ طالقانی به بهشتی گفت جریمه‌اش کند، خبرگزاری خبرآنلاین، شناسه خبر: ۲۹۲۹، جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵، (تاریخ مراجعه به سایت: ۵ مرداد ۱۳۹۶)، در:

مردمی یا درآمد موقوفات، تنظیم برنامه‌های مکان‌های عبادی و محتوای وعظ و خطابه به شیوه دلخواه و در نهایت تقویت روحیه جمعی، مشارکت‌پذیری مردم و ارتقای سطح مردم‌سالاری است. از این رو رسالت اماکن عبادی را می‌توان در جهت بازیابی آن نقش واسطه‌ای دانست که امروزه بدان «جامعه مدنی» گویند. بدین ترتیب، اماکن عبادی مانند مسجد، با ایجاد پلی میان عالی و دانی، قلمروهای ناسوتی و لاهوتی و فرمانروایان و فرمانبران، می‌کوشند تا ضعف سایر فضاهای عمومی را بپوشانند و شکاف میان حکومت و شهروندان را به حداقل ممکن برسانند (اسپوزیتو، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

۳. رنگ باختن نابرابری‌ها، در فضای عمومی اماکن عبادی

اگر در سایر اجتماعات کوچک مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط کار و...، نابرابری‌هایی میان افراد (عادلان یا غیرعادلان) به چشم می‌خورد، فضای عمومی اماکن عبادی به نحوی است - یا دست کم به نحوی باید باشد- که چنین تفاوت‌هایی در عرصه عمومی به دست فراموشی سپرده شود. به دیگر سخن، اماکن عبادی زمانی کارکرد اجتماعی- سیاسی خود را به نحو احسن پیاده‌سازی می‌کنند که برای «همگان»، امکان بیان عقاید - دست کم متناسب با تعالیم پیروان ادیان آسمانی- وجود داشته باشد. از این رو در فضای اماکن عبادی، تفاوت‌هایی مانند فقیر و غنی- راست و چپ- عالم و امی- ملیس و مکلا- صاحب‌منصب و دون پایه و...، رنگ می‌بازند و همگان به نحو یکسان و برابر از فضای عمومی برخوردار می‌شوند. چه اینکه تفاوتی میان شیعیان و اهل تسنن در بهره‌مندی از فضای عمومی مسجد نیست. از این رو شناسایی چنین رسالتی برای اماکن عبادی که هدف آن پیش هم نشاندن فقیر و غنی و پیر و جوان، در راستای تحقق مردم‌سالاری در جامعه است، آملی دست‌نیافتنی نیست.^۱ اماکن عبادی می‌توانند با انبوهی از مفاهیم، چون پیوندها و تعاملات اجتماعی، توسعه حس برابری^۲، نمایندگی کردن، شکل‌گیری افکار عمومی مستقل و آزادانه، نمایشگر کثرت و تضارب آرا^۳، مردم‌سالاری و عرصه‌ای برای بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات، در ارتباط باشند.

۱. از این رو، از جمله اسامی مسجد در ادبیات اسلامی، «جامع» بوده، چون گردآورنده افشار گوناگون در کنار هم - اعم از سیاه و سفید، مرد و زن، کندرو و تندرو بوده است: (نوبهار، بی تا: ۸۲). تاریخ دسترسی به سایت: ۱۵ فروردین ۱۳۹۶، در: <http://www.rnobahar.ir/fa/?p=254>
۲. برای مثال فقهای شیعه و اهل سنت، شروطی را برای اقامه صحیح نماز جماعت برشمرده‌اند که از جمله آنها، بلندتر نبودن جایگاه امام جماعت از دیگر نمازگزاران است. از این رو، معمولاً سطح محراب پایین‌تر از سطح مسجد ساخته می‌شود: (بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۸۳: ۶۰۹).
۳. برای دیدن مجموع مقالاتی درباره نسبت فضای عمومی و تکثر دینی رک: Sinn & Others, 2015

فضای عمومی اماکن عبادی و تحقق مجدد آرزوی دموکراسی مستقیم

به نظر می‌رسد پیشینه تاریخی فضای عمومی به یونان باستان بازگردد. هنگامی که در میدان آگورای آتن، شهروندان در خصوص مسائلی مانند خیر عمومی یا مدیریت شهری، به شور می‌پرداختند، دو اتفاق بسیار مهم در حال رخ دادن بود: توجه به منفعت عمومی در برابر منفعت خصوصی و تصمیم‌گیری «مستقیم» در فضای عمومی و شفاف، به جای تصمیم‌سازی‌های مخفی و پنهانی (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۳۰). در یونان باستان، فضای عمومی از طریق «مجمع» یا «آگورا» بازنمایی می‌شد. توضیح اینکه آگورا به میادین عمومی مهم در شهرهای یونان باستان گفته می‌شد که کارویژه آن برپایی مراسم عمومی یا انجام کنش‌های اجتماعی، سیاسی و دینی در حضور اجتماعات کثیر مردمی بود. از این رو، آگورا فضایی بود که مردم می‌توانستند تشکیل عمومی پایدار دهند و مشارکت مستقیم در اداره کشور را به منصف ظهور رسانند (کریمیان و موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۷)؛ امری که به نظر می‌رسد در عصر حاضر، از آن کم‌بهره‌ایم. چنانکه ریچارد سنت^۱ گفته است: «اگر از معماران مدرن پرسیده شود که فضایی طراحی نماید تا دموکراسی را ارتقا بخشد، قلم‌هایشان را زمین می‌گذارند... در شهر مدرن، خیابان‌های خرید، پارکینگ‌ها، آسانسورهای آپارتمان‌های مسکونی، هیچ‌یک در ساختارشان این معضل را که انسان‌ها چگونه باید زندگی کنند، پاسخ نمی‌دهند» (Sennett, 1990: p.xi). اما وجود اماکن عبادی در جامعه با حفظ استقلال کارکردی آنان، می‌تواند موجب تقویت ایده مردم‌سالاری مشارکتی در برابر دموکراسی نمایندگی شود. به نظر می‌رسد پس از طی قرون متعدد، مجدداً اهمیت دموکراسی مشارکتی رو به فزونی گذاشته و مطلوبیت و کارایی دموکراسی نمایندگی در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. در واقع، اماکن عبادی مصادیقی از فضاهای عمومی‌اند که مردم می‌توانند به خوبی «خودفرمانروایی»^۲ را در چارچوب جامعه‌ای کوچک اعمال کنند.

مسجد: فضای عمومی موفق شهری در جامعه اسلامی

از مهم‌ترین دغدغه‌های طراحان امروز در خلق عرصه‌ها و فضاهای عمومی، تحقق نوعی فضای عمومی موفق است که بتواند نوعی خودمختاری اجتماعی و تعادلی پایدار میان فضاهای شهری به وجود آورد (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸). مقوله ایجاد، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده، همواره از جمله اهداف راهبردی برنامه‌ریزان و طراحان شهری در ارتقای کیفیت محیط‌های مصنوع شهری بوده است.

۱. جامعه‌شناس آمریکایی، متولد ۱۹۴۳م (Richard Sennett).

2. Self-Government

به باور برخی پژوهشگران، ساختار بندی شهرهای اسلامی، اغلب وابسته به «مکان» بوده و بافت شهری در اطراف مسجد جامع و بازار چیدمان می‌یافت. از این رو، از «اماکن و سکونتگاه‌های» شهرهای اسلامی، به مثابه کتاب تمدن یاد شده است (Kadri M.G, 1996: 138-150). به باور آنان، در ساختار شهرهای اسلامی، وجود نظام گروه‌های مرجع همچون مراجع و علمای دینی در اماکن عبادی مانند مسجد سبب شد تا جامعه بدون نیاز به برخورداری از نظام اداری همچون مدل شهرهای اروپایی، مدیریت و راهبری شود. ادای مکرر فریضه نمازهای روزانه به صورت جماعت، پیوستگی اجتماعی را تقویت کرده و حس هویت جمعی را در پی داشته است. از این رو مساجد جامع به مثابه کانون همگرایی اجتماع عمل کرده‌اند. در مقابل، برخی پژوهشگران بر این باورند که به سبب تمرکز شدید امور در مساجد جامع و بی‌توجهی به جوامع مدنی و داشتن رویکرد منفی به هر گونه سازماندهی نهادهای اجتماعی و مدنی، شهرهای اسلامی، در مقایسه با نظم زیبای شهرهای سنتی اروپا، از نوعی آشفتگی و بی‌نظمی رنج می‌برده‌اند (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۱).

به نظر می‌رسد موفقیت فضاهای عمومی با سنجه‌هایی مانند حفظ کارایی اجتماعی، معنا و هویت بخشی و غنای فرهنگی در گذر زمان، تعریف و تبیین می‌شود. چنانچه فضای عمومی با گذشت سال‌ها، همچنان در اذهان مردم به عنوان فضایی زنده باقی ماند و مردم بارها و بارها به دیدارشان شتایند، یا از دیدار آن خاطراتی به یادماندنی و شیرین داشته باشند، آن فضای عمومی را می‌توان موفق تلقی کرد. اگرچه دایره علایق مردمان در بهره‌مندی از فضاهای عمومی گوناگون است، فضای عمومی‌ای پایدار و موفق است که پاسخگوی بخش وسیعی از نیازمندی‌های جسمی، اجتماعی و معنوی آدمیان باشد. پهنه اماکن عبادی، فضای عمومی مطلوبی است تا علاوه بر ارتباط و تعامل با هم‌نوعان، آدمی را لختی به تعمق و تفکر فرو برد و از این رهگذر به کمال خود نزدیک‌تر سازد. اماکن عبادی، فضای عمومی ساکن، جمع‌پذیر و یکپارچه‌اند که سکوت و آرامش شیرین را در میان ضرابهنگ مداوم و پرتنش شهرها ایجاد می‌کنند. بی‌سبب نبوده است که در ازمنه قدیم، بازشناسی مناطق از یکدیگر، بر پایه اماکن عبادی بود و ابنیه عبادی، تصویری پررنگ در ذهن ساکنین و حتی مسافران بر جای می‌گذاشت.

فضای عمومی اماکن عبادی: عرصه اظهار نظر و انعکاس صدای مردم

می‌توان فضای عمومی مکان عبادی را به مثابه پایگاهی جهت نقد قدرت و انتقال و انعکاس صدای اعتراضی مردم تصور کرد^۱ که همچون دستگاهی نظارتی، هر زمان که تخلف، جرم، سوء

۱. از زمان‌های دور، مسجد مکانی برای اعتراض به سیاست‌های حکمرانان بود. گاه کسی به مسجد در می‌آمد و فریادی بر فرمانروایی می‌زد که بر سر منبر بود. مذمت حکمرانان بر منبر نیز معمول بود: (صدر حاج سید

جریان اداری و مالی یا انحراف مقامات عمومی را مشاهده کرد، همچون جارچیان، فریاد عدالت و دادخواهی سر دهد^۱ و قامت منحرف خاطیان را با شمشیر انتقاد و مطالبه، راست گرداند. همچنان که در طول تاریخ مسلمانان، نمونه‌های فراوانی را در این زمینه شاهد بوده‌ایم. از جمله در مسجد کوفه آن هنگام که خلیفه دوم «در زمان خلافت خود خطبه می‌کرد... پس گفت:... اگر من برخلاف سیرت عدل و حق با شما زندگانی نمی‌کنم، شما چه می‌کنید؟ اصحاب گفتند: اذن قَوْمناک تقویم القِدَح: یعنی آن زمانی که کجی کنی، تو را همچنان راست گردانیم که نیزه تراشیده را راست می‌گردانند؛ یعنی تو را احتساب کنیم و نصیحت نماییم» (روزبهان خنجی اصفهانی، ۱۳۶۴: ۱۸۳) و این همه در فضای عمومی مسجد رخ داد. از این‌رو، مکان عبادی می‌تواند نقش شگرفی در بازگویی رسوایی‌ها و فسادهای اخلاقی و اقتصادی و افشاگری نسبت به مظاهر تباهی‌های مالی مانند وجود رانت- پارتی‌بازی- عدم رعایت شایسته‌سالاری در دستگاه‌های اجرایی و تشریح آنان بر روی منابر برای مردم داشته باشد.

همچنین از نقش رهبران مذهبی در اماکن عبادی در انجام مبارزات منفی خودجوش توسط شهروندان در عصر مشروطه و پیش از انقلاب اسلامی ایران نباید به‌سادگی گذشت. آنان از محبوب‌ترین و نافذترین گروه‌های اجتماعی در ایران بودند که با در اختیار داشتن مسئولیت موقوفات، تولید آستان‌ها و اماکن عبادی، حرم‌های مذهبی، اغلب حکومت‌ها را به کرنش در برابر خود وادار می‌کردند.^۲ در این زمینه می‌توان به بست‌نشینی مردم و مجتهدان در زمان قاجار در مسجد نو شیراز^۳، یا اجتماع مردمی در مسجد ارک به مناسبت فوت مشکوک دکتر

جوادی، دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸۹).

۱. از جمله حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرجع معاصر، از قول مرحوم حاج سیدرضا زنجانی نقل کردند که می‌گفت: «در قدیم، مردم زنجان برای آنکه فریاد دادخواهی و تظلمشان را به گوش اولیای امور برسانند، جمع می‌شدند و بالای مناره‌ها و مأذنه مسجد سید زنجان می‌رفتند و با صدای بلند "یا حق" می‌کشیدند. غریب "یا حق" آنها که به نشانه استنصار و درخواست کمک انجام می‌گرفت، بسیار مهیج بود و توجه همگان را جلب می‌کرد». یا «... اذان نیمه‌شب آن خیاط هوشمند در عصر متوکل عباسی برای رساندن فریاد تظلم یک فرد ستم‌دیده به گوش خلیفه نیز در تاریخ مشهور است». ر.ک: ابوالحسنی (مُنذِر)، ۱۳۸۵: ۶۲.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: شریعتی، عباسی شاهکوه، ۲۰۷: ۱۳۹۴-۱۹۸؛ ملکم، ۱۳۶۲: ۵۴۱.

۳. بست: مکان‌های معین، محترم و غالباً مذهبی که از تعرض مصون است. شاید بست‌نشینی سید جمال‌الدین اسدآبادی در حرم حضرت عبدالعظیم در سال ۱۳۰۸ق که در راستای اعتراض به سیاست‌های قاجار بود، برای نخستین بار مفهوم بست‌نشینی را از پناهگاهی جهت حفظ جان متهمان و مجرمان دور؛ و به مفهوم «تحصن» امروزی نزدیک ساخت. پس از آن، سه بست حرم حضرت معصومه، حرم حضرت امام رضا و حرم عبدالعظیم، در کنار بست‌نشینی در مساجد در دوران قاجار، از اهرم‌های فشار به حکومت بود: برای مطالعه بیشتر ر.ک: خوش افتخار، ۱۳۸۴: ۴۶-۳۳؛ دانشنامه جهان اسلام، بست و بست‌نشینی، در:

علی شریعتی و سر دادن شعارهای خودجوش^۱ اشاره کرد که در نهایت به دخالت پلیس، ضرب و شتم و سرکوب و دستگیری معترضان منجر شد (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷).
تحریم نوشیدن (مصرف) نوشابه‌های پپسی و کوکاکولا به نشانه مخالفت و بیان اعتراض به سیاست‌های خارجی حکومت از طریق پخش اعلامیه در مسجد خاوران مسگرآباد نیز از دیگر مثال‌ها در این زمینه است.^۲ همچنین رژیم شاهی به منظور فراموش شدن نام و یاد اشخاص مبارز و محبوب از اذهان عمومی جامعه، به‌نحو غیرمستقیم نسبت به «ممنوع‌الاسم» کردن آنها اقدام کرد و حساسیت شدیدی نسبت به آوردن نام و خاطره‌ای از ایشان در مساجد داشت. با وجود این نمازگزاران سعی می‌کردند به طرق مخفیانه و از طریق سنگر مسجد به توزیع عکس، مصاحبه و بیانیه‌های چنین افراد شاخصی اقدام کنند. نصب اعلامیه‌های بزرگ مقابل در مساجد قبا، ارک، خاوران و چیز، نسبت به فاجعه آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، از دیگر مواردی است که حکایت از نقش مساجد در بیان اعتراضات و انتقادات مردمی داشت (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۵).

نمونه‌های فراوان دیگری از نقش فضای عمومی مسجد در پیش از انقلاب ۵۷ وجود دارد که بیانگر قدرت معنوی چنین اماکنی در بسیج توده‌های مردمی، افزایش خودآگاهی و بینش اجتماعی و انجام مبارزات مدنی در راه تحقق دموکراسی و آزادی خواهی و استقلال است. برای نمونه سخنرانی مرحوم محمدتقی فلسفی در مسجد ارک در تاریخ ۱۳۴۱/۹/۹ از این قبیل است. فلسفی در این مسجد از روش استبدادی رژیم سیاسی پهلوی انتقاد و آنان را به سلب حقوق و آزادی‌های اساسی مردم متهم کرد: «... در ایران، مجلس... مرده... قانون اساسی مرده. یک مشت بی‌حیثیت که در دستگاه تسلط پیدا کرده‌اند... با اتکا به نیروهای نظامی، تمام حقوق و آزادی‌های مردم را سلب کرده‌اند...» (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۳). این سخنرانی در انتقاد به اعمال استبداد و سانسور و نقض حق بر آزادی بیان در رژیم پهلوی حکایت دارد و در عین حال نشان از آن دارد که فضای عمومی مسجد کانونی علیه خفقان و استبداد بوده است.

اثربخشی ماهیت حقوقی اماکن عبادی در مطلوبیت فضاهای عمومی

چنانچه مطابق تقسیم‌بندی نیکوس پولانتزاس،^۳ ایده وجود دو نوع حکومت فرمال و استثنایی را

۱. عده زیادی که ۱۲۰۰ نفر تخمین زده شده بودند و بیشتر آنان دانشجو بودند، در حیاط مسجد ارک شعار می‌دادند: دشمن را می‌کشیم، قاتلت را می‌کشیم؛ به نقل از: خیری اصل، ۱۳۹۲: ۴۷.

۲. برای دیدن سند گزارش رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران رک: همان، ص ۲۷۹.

۳. نیکوس پولانتزاس (Nicos Poulantzas)، نظریه‌پرداز و جامعه‌شناس سیاسی یونانی-فرانسوی (1936 - 1979).

- که کم‌وبیش از گرامشی^۱ وام گرفته است- بپذیریم، نهادهای ایدئولوژیک، مانند اماکن دینی و عبادی که وظیفه بازتولید حکومت را بر عهده دارند، در حکومت‌های فرمال، مستقل از مداخله و کنترل حکومت عمل می‌کنند، دارای استقلال حقوقی‌اند و معمولاً به صورت خصوصی اداره می‌شوند؛ اما در حکومت‌های استثنایی (حکومت‌های اقتدارگرا و توتالیتر- حکومت‌های مداخله‌گر در امر خصوصی)^۲ که اغلب خواهان تداوم وضعیت استثنایی و تداوم بحران هستند (بحران‌زا و بحران‌زی)؛ رسانه‌ها، مساجد، کلیساها و مدارس، زائده حکومت‌اند و فاقد اتونومی؛ و به پمپاژ ایدئولوژی‌های باب میل حکومت می‌پردازند (حجاریان، ۱۳۹۴: ۴۲-۳۸).

از نظر هابرماس، نهادهای دینی و جمعیت‌های داوطلب مذهبی، یکی از شبکه‌های عصبی حوزه عمومی سیاسی را تشکیل می‌دهند (غفاری و بهرام، ۱۳۹۴: ۲۳). هابرماس در مقاله خود با عنوان «پاسخ به منتقدینم» بر این باور است که تا وقتی جمعیت‌ها و گروه‌های دینی و جامعه مدنی نقش حیاتی ایفا می‌کنند، سانسور صدای شهروندان دیندار، با مفهوم آزادی ناسازگاری دارد (Habermas, 2013: 347-390). از این رو، میزان اعتقاد و عمل‌گرایی یک نظام سیاسی به اصول مردم‌سالاری و ارتباط آن بر نحوه کنترل فضاهای عمومی، نتایج مهمی را در زمینه حق بر مشارکت، حق بر تجمعات و اعتراضات مسالمت‌آمیز به ارمغان می‌آورد. شناسایی اماکن عبادی به عنوان اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، با مدیریت و اداره بخش خصوصی جامعه - اما با کنترل مردمی قدرت عمومی - به جسارت، خلاقیت و سرزندگی اجتماعی شهروندان می‌افزاید، زیرا آنان به مثابه «فاعل» و «کنشگر اصلی» فعالیت می‌کنند، نه به عنوان ذره‌ای از «جامعه‌ای توده‌وار» و در راستای تحقق «دموکراسی فله‌ای»! ناگفته پیداست، از این رهگذر، مفهوم «شهروند فعال» محقق می‌شود. اما در آن روی سکه، با تلقی اماکن عبادی به عنوان شخص حقوق عمومی و با کنترل حداکثری حکومت و وضع قوانین متعدد و اسناد جامع فرادستی، فعالیت‌های آزادانه شهروندان و تبادل آزادانه عقاید محدود خواهد شد.

وجود فضاهای عمومی اما تحت مالکیت و اداره بخش خصوصی، علاوه بر اینکه ممکن است جذابیت‌های بیشتری از فضاهای عمومی حکومتی را برای شهروندان به ارمغان آورد، سبب پویایی جامعه، تبادل و تضارب آراء، برقراری نوعی از ارتباطات مسالمت‌آمیز و نوع دوستانه میان افراد، یکسان و برابر دانستن افراد بدون توجه به جناح‌بندی‌های سیاسی یا فکری و تمرین مردم‌سالاری و مشارکت بیشتر می‌شود. چنانچه نگاه سیاستگذاران فرهنگی به اماکن عبادی از جنس مفاهیم بالا شود، به روشنی، دو نتیجه زیر حاصل می‌شود:

نخست. احداث اماکن عبادی تا حد امکان باید به نحو اختیاری و با مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باشد؛

۱. آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci)، نظریه‌پرداز مارکسیست (۱۹۳۷-۱۸۹۱).

دوم. حکومت، متولی خوبی برای اداره چنین اماکنی نیست. با پذیرش دو گزاره بالا، اماکن عبادی، فضاهای عمومی بسیار مطلوبی جهت خودسامانی شهروندان در برابر اجزای حکومت می‌شوند، زیرا تنها در فضاهای مردم‌سالارانه است که مفهوم شهروند شکل می‌گیرد و از دخالت حداکثری دستگاه‌های اجرایی که معمولاً مخمل کارکردهای مردمی‌اند اجتناب می‌شود. هرچه اداره جامعه، مردمی‌تر باشد، فضاهای عمومی آن برای همگان مهیا و قابل دسترس‌تر است.

حدود مداخله و نظارت حکومت اسلامی در اماکن عبادی

در اسلام، هرگز با اندیشه‌ای که کلیه ابعاد زندگی انسان را در ید حاکم مسلمین سپارد و به نفی نهادها و جوامع مدنی و انقیاد مردم پردازد، مواجه نیستیم. چه در تعالیم اسلامی بر تعاون، مسئولیت و کنش اجتماعی^۱ و چه در مقدمه قانون اساسی، به نقش مؤثر مساجد در افزایش آگاهی و عزم ملت ایران در مبارزه با استبداد اشاره شده^۲ و در بند ۱ اصل ۳، ایجاد «فضای» مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با مظاهر فساد، از جمله وظایف دولت دانسته شده است. «با آنکه بنیان نهادن مسجد، گاه به‌عنوان بنایی برای حکومت ارزیابی می‌شود، آنچه بیشتر درست می‌نماید، این است که مسجدالنبی (ص) پیش از هر چیز نخستین پایه یک فضای عمومی و مدنی بوده است... بدین‌سان مسجد همچون جایگاه و بستر این تعاملات تا اندازه زیادی یک نهاد مدنی بود؛ هرچند در عصرهای بعد، آنان که به نام اسلام حکمرانی کرده‌اند، با تهی کردن وجه مدنی نهاد مسجد، همچون بسیاری دیگر از مقوله‌ها، اغلب از آن برای تقویت پایه‌های حکومت خویش از آن سود برده و می‌برند» (کالون، ۱۳۸۹: ۳۰۸). از این‌رو در اماکن عبادی، می‌توان مفاهیمی همچون خودآیینی یا خودسازماندهی را پیگیری و تعریف کرد، به جای آنکه پیوسته این امر توسط مقامات قدرت عمومی ساماندهی شود. مکان‌های عبادی این قابلیت را دارند که تعاملات مثبت و روابط توأم با حسن نیت اطمینان‌بخشی را میان اقشار و گروه‌های مختلف شهروندان که اغلب با یکدیگر نسبت نسبی و سببی یا آشنایی عمیقی ندارند، فراهم سازند و گونه‌ای از وحدت اجتماعی را مبتنی بر «اراده آزاد»، بدون الزام و فشار از بالای حکومت پدید آورند.^۳

۱. برای مثال می‌توان به آیاتی مانند «و تعاونوا علی البر والتقوی» (مائده: ۲)، «و شاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۸) و امرهم شوری بینهم (شوری: ۳۸) و کلام حضرت امیر (ع): من استبد برایه هلك (نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، حکمت ۱۶۱)، اشاره کرد.

۲. «... در این میان، قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد... به روشنگری پرداخت».

۳. برای نمونه، حیاط مسجد جامع اصفهان، بزرگ‌ترین میدان شهر و محل ملاقات شهروندان و واردشوندگان به شهر بود. ر.ک: میرفندرسکی، ۱۳۷۶: ۱۲۴.

بنابراین باید نقش مردم در ساخت و ساز و اداره و نگهداری مساجد را به رسمیت شناخت. توضیح بیشتر اینکه، حکومت طی دهه‌های اخیر، از طریق برخی نهادهای انقلابی یا مؤسسات عمومی غیردولتی، مانند شهرداری‌ها اقدام به «ساخت» اماکن عبادی یا «اختصاص اراضی» جهت احداث مسجد کرده است. اموال شهرداری برابر ماده ۴۵ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها^۱ به دو گونه اختصاصی و عمومی تقسیم می‌شود.^۲ اموال اختصاصی شهرداری آن دسته از اموالی است که شهرداری نسبت به آنها حق تصرف مالکانه دارد، اما اموال عمومی او، مانند معبر عمومی، خیابان‌ها و میادین و پل‌ها، تنها متعلق به مردم است و به استفاده عموم اختصاص دارد. پس در حالی که اموال غیرمنقول (اراضی) اختصاصی شهرداری را باید در مالکیت شهرداری دانست، برای اموال عمومی شهرداری نمی‌توان چنین برداشتی کرد و شهرداری حق فروش و طبیعتاً وقف پارک، میادین و خیابان‌ها را ندارد. البته نویسندگان، معتقد به عدم مشارکت و مساعدت حکومت در ساخت اماکن عبادی، خاصه مسجد نیستند، اما واگذاری اراضی توسط شهرداری‌ها، سازمان ملی زمین و مسکن، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، و سایر دستگاه‌های اجرایی، جهت تحقق سیاست‌های فرهنگی حکومت در توسعه و ساخت مساجد، باید با دقت هرچه تمام‌تر به عمل آید.^۳ به دیگر سخن، با پذیرش دو پیش‌فرض: ۱. مساجد موقوفه‌اند؛ ۲. واقف باید «مالک» مالی باشد که وقف می‌کند؛ امکان نقل و انتقال اموالی که در زمره مشترکات عمومی‌اند وجود ندارد و دخالت برخی نهادها و دستگاه‌های اجرایی، تنها از باب اداره و تمشیت این اموال و حفظ منافع عمومی است و نه مالکیت خصوصی بر آنان.^۴ از این‌رو اشخاص حقوق عمومی تنها می‌توانند زمین‌هایی را به ساخت مسجد اختصاص دهند که در زمره اموال خصوصی آنان باشد و با لحاظ ماده ۵۷ ق.م.خ، خود به‌عنوان واقف اقدام کنند. کمک دستگاه‌های اجرایی نباید به گونه‌ای باشد که به وابستگی مالی یا ساختاری اماکن عبادی منتج شود یا تحمیل شرایط خاص و مداخله سازمان‌ها در امر اداره آنان را در پی داشته باشد. شاهد مثال

۱. مصوب ۱۳۴۶ کمیسیون مشترک مجلسین.

۲. ماده ۴۵ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها: «اموال شهرداری‌ها اعم از منقول و غیرمنقول بر دو نوع تقسیم می‌شود. اموال اختصاصی و اموال عمومی. اموال اختصاصی شهرداری اموالی است که شهرداری حق تصرف مالکانه نسبت به آنها را دارد، از قبیل اراضی و ابنیه و اثاثه و نظایر آن. اموال عمومی شهرداری اموالی است که متعلق به شهر بوده و برای استفاده عموم اختصاص یافته است. مانند معابر عمومی، خیابان‌ها، میادین، پل‌ها، گورستان‌ها، سیل برگردان، مجاری آب و فاضلاب و متعلقات آنها، انهار عمومی، اشجار اعم از اشجاری که شهرداری یا اشخاص در معابر و میادین عمومی غرس نموده باشند، چمن‌کاری، گل‌کاری و امثال آن».

۳. تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ در راستای حفظ و بقای موقوفات، اراضی وقف را از دایره شمول اراضی متعلق به وزارتخانه‌ها، نیروهای مسلح، مؤسسات دولتی، بانک‌ها، سازمان‌های وابسته به دولت و کلیه بنیادها و نهادهای انقلابی که در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار می‌گیرند، خارج ساخته است.

4. See: Smit, Anneke, and Valiante, Marcia., Public Interest, Private Property Law and Planning Policy in Canada, UBS Press, Vancouver, Toronto, 2016.

دیگر در زمینه مداخله حداکثری حکومت در فضای عمومی مساجد و نمازخانه‌های کشور، مصوبه «حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها» بود که در جلسه علنی مورخ ۹۴/۱/۲۳ به تصویب رسید. مطابق این مصوبه، سازمان اوقاف و امور خیریه، به‌عنوان مؤسسه‌ای دولتی، کلیه مراحل ساخت، مدیریت و نظارت بر مسجد را در اختیار خود گرفته بود و روح کلی مصوبه، نفی استقلال مسجد و تجمیع اکثریت صلاحیت‌ها و اختیارات در سازمان اوقاف بود که خوشبختانه شورای نگهبان در راستای اصل ۹۴ ق.ا، طرح مصوب را مغایر با قانون اساسی تشخیص و نظر به رد آن داد. با وجود این، نباید منکر ثمرات مثبت دخالت کم‌رنگ قدرت عمومی و تأثیرات مطلوب نظارت به‌اندازه برخی سازمان‌های اداری شد. بدین معنا که حکومت، تنها با رویکرد حداقلی، به «هدایت»، «تنظیم» و «رگولاتوری» در اماکن عبادی بپردازد و این تنظیم، در راستای حفظ استقلال اماکن عبادی و پاسداشت حق بر آزادی دینی باشد. از این رو، الگوی مطلوب اداره و نظارت بر اماکن عبادی، «خودگردانی» مکان‌های عبادی و «نظارت همگانی» است که در نهایت مردم، در صورت بروز سوء جریانات مالی یا عدم رعایت حسن اجرای امور یا قوانین و مقررات، مراتب را به مقامات عمومی جهت رسیدگی قضایی و اداری گزارش و اطلاع دهند. این مهم به‌منزله سستی حکومت یا تضعیف حاکمیت نبوده و صدا البته، نشان از انعطاف‌پذیری و تدبیر حکومت دارد که می‌تواند از همه استعداد‌های اجتماعی و فرهنگی در امر حکمرانی نوین بهره برد. بنابراین به‌نظر می‌رسد در حوزه اماکن عبادی باید تنها قائل به اعمال نوعی «کنترل مردم‌سالارانه» و غیرمستقیم توسط حکومت و براساس قانون باشیم. تنها در این صورت است که شهروندان جامعه می‌توانند از اماکن عبادی برای انجام فعالیت‌های آزادانه و بشردوستانه استفاده کنند و از حقوقی مانند حق بر آزادی دینی و حق بر آزادی اجتماعات سیراب شوند.

نتیجه‌گیری

با وجود پیشرفت فوق‌سریع فناوری در سال‌های اخیر، کماکان اماکن عبادی به‌مثابه یکی از مظاهر فضاهای عمومی فیزیکی، عرصه‌ای در میانه شهروندان و حکومت‌اند. مدیریت مردمی اماکن عبادی، به‌اداره مردم‌سالارانه فضای عمومی آنها منتج شده، سبب پویایی، تبادل و تضارب آرا و برقراری نوعی ارتباط مسالمت‌آمیز و برابر میان شهروندان، بدون توجه به تفاوت‌ها (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی) و افزایش مشارکت جمعی می‌شود، زیرا از رهگذر فضای عمومی اماکن عبادی - خاصه مسجد در حکومت اسلامی - مفهوم «شهروند فعال» محقق می‌شود. اما در آن روی سکه، با مداخله و نظارت حداکثری حکومت و تورم و تکثر قوانین در این حوزه، اثرگذاری شهروندان رو به کاهش خواهد گذاشت. از این رو در راستای تحقق فضای عمومی موفق

و پایدار در نظام مردم‌سالاری دینی، دو مؤلفه «نفی وابستگی ارگانیک اماکن عبادی به حکومت» و «تضمین استقلال مالی» آنان مورد تأکید است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آرت، هانا (۱۳۸۸). *توتالیتاریسم، محسن ثلاثی*، چ اول، تهران: ثالث.
۲. ابوالحسنی (مُنذر)، علی (۱۳۸۵). *کارنامه شیخ فضل‌الله نوری، پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، چ سوم، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۱). *دایره‌المعارف جهان نوین اسلام*، ترجمه و تحقیق: حسن طارمی راد و دیگران، چ اول، ج ۴ (حروف ل-ی)، تهران: نشر کتاب مرجع و نشر کنگره.
۴. حداد عادل، غلامعلی (زیر نظر) (۱۳۸۳). *دانشنامه جهان اسلام*، چ اول، ج ۱۰، حرف (ج)، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
۵. خیری اصل، خیرالله (۱۳۹۲). *نقش مسجد در پیروزی در پیروزی انقلاب اسلامی (به روایت اسناد)*، چ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. روزبهان خنجی اصفهانی، فضل‌الله (۱۳۶۴). *سلوک الملوک*، ترجمه محمدعلی موحد، چ اول، تهران: خوارزمی.
۷. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران (زیر نظر) (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف تشیع*، چ اول، ج ۱۵ (مآثر - مینوی)، تهران: حکمت.
۸. طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۵). *زوال اندیشه‌های سیاسی در ایران*، چ ششم، تهران: کویر.
۹. کوان، رابرت (۱۳۸۹). *فرهنگ شهرسازی*، ترجمه یلدا بلارک، چ اول، تهران: پرهام نقش.
۱۰. گل، یان (۱۳۸۹). *فضاهای عمومی و زندگی جمعی*، ترجمه علی غفاری و صادق سهیلی‌پور، چ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. لینچ، کوین (۱۳۹۲). *سیمای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی، چ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. ملکم، جان (۱۳۶۲). *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: انتشارات فرهنگسرای یساولی.
۱۳. میرفندرسکی، محمدامین (۱۳۷۶). «مسجد به‌مثابه اندامی از شهر»، در: مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، *دانشکده هنر دانشگاه پردیس اصفهان*، چ اول، ج ۲.

۱۴. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). *حمایت از حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، چ اول، تهران: جنگل.
۱۵. نوبهار، رحیم (۱۳۸۸). «آموزه‌های اسلامی، حوزه عمومی، حوزه خصوصی»، در: *حقوق بشر در جهان معاصر*، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوقدانان و فقهای ایرانی، چ اول، قم: آیین/احمد.
۱۶. هولاب، رابرت و هابرماس، یورگن (۱۳۸۸). *نقد در حوزه عمومی*، ترجمه حسین بشیریه، چ پنجم، تهران: نشر نی.

ب) مقالات

۱۷. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹). «میدان به مثابه فضای عمومی موفق شهری»، کتاب *ماه هنر*، ش ۱۴۳.
۱۸. حجاریان، سعید (۱۳۹۴). «نورمالیزاسیون مقدمه دموکراتیزاسیون: کامیابان خلاف آمد عادت»، *اندیشه پویا*، سال چهارم، ش ۲۸.
۱۹. خاتم، اعظم (۱۳۸۴). «حوزه همگانی و فضاهای عمومی در ایران»، *اندیشه/یرانشهر*، شماره ۳.
۲۰. خوش افتخار، هادی (۱۳۸۴). «بست و بست‌نشینی در دوره قاجار»، *تاریخ پژوهی*، سال هفتم، ش ۲۲ و ۲۳.
۲۱. راسخ، محمد (۱۳۸۶). «مدرنیته و حقوق دینی»، *نامه مفید*، دوره ۱۳، ش ۶۴.
۲۲. رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، *راهبرد*، ش ۵۳.
۲۳. رهنمایی، محمدتقی؛ اشراقی، یوسف (۱۳۸۶). «فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری»، *انجمن جغرافیای ایران*، سال پنجم، ش ۱۴ و ۱۵.
۲۴. شریعتی، شهروز؛ عباسی شاهکوه، مهدی (۱۳۹۴). «دولت و مشكله کنترل اجتماعی در ایران»، *دولت پژوهی*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره یکم، ش ۴.
۲۵. طالبی، ژاله (۱۳۸۳). «روابط اجتماعی در فضاهای شهری»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴.
۲۶. علیزاده، هوشمند؛ حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰). «عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی - تاریخی مسلمانان، مطالعات شهر ایرانی - اسلامی»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال اول، ش ۳.
۲۷. غفاری، حسین؛ بهرام، معصومه (۱۳۹۴). «تحول آرای فلسفی یورگن هابرماس درباره نقش دین در حوزه عمومی»، *فلسفه*، سال چهل و سوم، ش ۲.
۲۸. کالون، کرگ (۱۳۸۹). «تاریخچه مفهوم جامعه مدنی و حوزه عمومی»، ترجمه رحیم نوبهار،

- تحقیقات حقوقی، شماره ۵۱.
۲۹. کریمیان، حسن؛ موسوی‌نیا، سید مهدی (۱۳۹۲). «آگورا و روابط اجتماعی - فرهنگی در آتن دوره کلاسیک»، *باغ نظر*، سال دهم، ش ۲۴.
۳۰. گودسل، چارلز (۱۳۸۶). «مفهوم فضاهای عمومی و جلوه‌های مردم‌سالارانه آن»، ترجمه هدیه نوریبخش، *معماری ایران*، ش ۲۹ و ۳۰.
۳۱. ویلا، دانار (۱۳۷۶). «پسامدرنیسم و حوزه عمومی»، ترجمه منصور انصاری، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۲۲ - ۱۲۱.
۳۲. هابرماس، یورگن (۱۳۸۵). «حوزه عمومی»، ترجمه جواد کارگزاری، *حقوق عمومی*، ش ۲.

ج) جراید

۳۳. روایتی از روزهای سکوت و نگرانی آیت‌الله طالقانی در مجلس خبرگان/ طالقانی به بهشتی گفت جریمه‌اش کند، خبرگزاری خبر آنلاین، شناسه خبر: ۲۹۲۹، جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵، تاریخ مراجعه به سایت: ۵ مرداد (۱۳۹۶)، در:
<http://www.khabaronline.ir/detail/577245/Politics/parties>
۳۴. نوبهار، رحیم، مسجد بدیلی ندارد، دین، مسجد و قانونگذاری، تاریخ دسترسی به سایت: ۱۵ فروردین (۱۳۹۶)، در: <http://www.rnobahar.ir/fa/?p=254>

A) Books

35. Mitchell, Don (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space* (New York and London): Guilford Press.
36. Sennett, Richard (1990). *The conscience of the Eye: the Design and social life of cities*, New York, Knopf: Distributed by Random House.
37. Sinn, Simone, and others (2015). *Religious Plurality and the Public Space*, Germany: The Lutheran World Federation, LWF Studies.

B) Articles

38. Habermas, Jurgen (2006). "Religion in the Public Sphere", *European Journal of Philosophy*, Volume 14, Issue 1.
39. Habermas, Jurgen (2013). "Reply to my Critics", in *Habermas and Religion*: Edited by Craig Valhoun, Eduardo Mendieta and Jonathan VanAntwerpen, Cambridge: Polity Press.
40. Kadri M.G Elaraby (1996). "Neo-Islamic Architecture and Urban Design in the Middle East: from threshold to adaptive design", *Built Environment*, Vol.22, No.2.